

## ملاقات بین‌المللی در پاریس

### مانیفست حزب کمونیست، ۱۵۰ سال بعد...

"به جای جامعه کهن بورژوازی... جامعه‌ای مشارکتی که در آن آزادی هر فرد شرط تکامل آزادانه همگان باشد."  
("مانیفست کمونیست")

به مناسبت صد و پنجاهمین سالگرد انتشار مانیفست حزب کمونیست، یک گردهم‌آیی بین‌المللی در محل کتابخانه‌ی بزرگ ملی پاریس، به دعوت انجمن فرانسوی Espace Marx، از ۱۳ تا ۱۶ مه ۱۹۹۸، برگزار شد. این اولین باری بود که تجمعی حول مسایل نظری مارکسیستی در فرانسه تشکیل می‌شد. سه سال پیش نیز، در سپتامبر ۱۹۹۵، یک کنگره‌ی بین‌المللی به ابتکار گروهی دیگر به نام Actuel Marx در باره‌ی سرنوشت تئوری‌های مارکس و پرسش‌انگیزهای کنونی فراروی از سرمایه داری، در پاریس برگزار شده بود که در آن عمدتاً دانشگاهیان، پژوهشگران و مراکز تحقیقات مارکسیستی از کشورهای مختلف شرکت کرده بودند.

یک ویژگی مهم و قابل توجه ملاقات اخیر این بود که در این تجمع، علاوه بر متفکران و پژوهشگران چپ، سندیکالیست‌ها، فعالان جنبش‌های انجمنی و افرادی از جامعه‌ی مدنی، فعالان جنبش فمینیستی، مسئولان نشریات فرهنگی و تئوریک، نویسندگان، جامعه‌شناسان، نمایندگان از سازمان‌ها و احزاب مختلف چپ، سوسیالیستی یا کمونیستی، نیروهای مترقی، فعالان مبارزات رهایی‌بخش از جهان سوم و غیره شرکت کرده بودند. استقبال که از این ملاقات جهانی صورت گرفت، شرکت نزدیک به ۱۵۰۰ نفر از ۶۰ کشور جهان، بیش از تصور و پیش‌بینی خود برگزارکنندگان این برنامه بود.

کشورهای شرکت‌کننده عبارت بودند:

از آفریقا: آفریقای جنوبی، الجزیره، بنن، کامرون، کنگو، ساحل عاج، گینه، ماداگاسکار، مالی، مراکش، موریتانی، نیجریه، سنگال، تونس، جزیره رئونیون.

از آمریکای لاتین: آرژانتین، برزیل (بیش از ۵۰ نفر که اکثراً عضو و هوادار حزب زحمتکشان برزیل بودند)، شیلی، کلمبیا، کوبا (حزب کمونیست). مکزیک، پرو، پرتوریکو، جمهوری دمینیک، سان سالوادور، اوروگوئه.

از آمریکای شمالی: کانادا، ایالات متحده‌ی آمریکا (از جمله از حزب سوسیالیست آمریکا).

از آسیا: چین (از طرف حزب کمونیست این کشور)، هندوستان، ژاپن (حزب کمونیست)، سیریلانکا، ویتنام (حزب کمونیست).

از اروپا: آلبانی، آلمان (حزب DS و حزب کمونیست آلمان غربی سابق...)، بلژیک، بلغارستان، دانمارک، اسپانیا، فدراسیون یوگوسلاو، فنلاند، یونان، مجارستان، ایتالیا (از جمله رسانه‌ها و رساندا از مانیفستو)، هلند، لهستان، پرتغال، جمهوری چک، انگلستان (از جمله هُبسبان)، روسیه (حزب کمونیست، یک گروه ترسکیستی...)، سلوونی، سوئد، سوئیس، اوکراین. از خاور میانه: مصر (از جمله سمیر آمین)، عراق، اسرائیل، لبنان، فلسطین، سوریه، ترکیه.

از اقیانوسیه: استرالیا، زلاند جدید و جزایر پلی‌نزی.

از فرانسه تعداد زیادی از متفکران چپ و مارکسیست و فعالان جنبش زنان و جنبش‌های اجتماعی شرکت کرده بودند که از آن جمله می‌توان به اسامی زیر اشاره کرد:

Tony Andreani, Etienne Balibar, Daniel Bensaid, aul Boccara, Christine Delphy, Georges Labica, Michael Lowy, Henri Maller, Lucien Seve, Jacques Texier, Andre Tosel...

یک موفقیت دیگر این ملاقات، تعداد ۳۴۹ رساله و مقاله‌ای بود که طراحان بحث تهیه کرده بودند و قبل از برگزاری برنامه توسط برگزارکنندگان در بولتن‌هایی (۱۲ جلد) به چاپ رسیده بود. و این ابتکاری جالب بود، چون

بحثها می‌توانست با آمادگی قبلی و آشنایی شرکت‌کنندگان از نظرات مختلف انجام پذیرد و در نتیجه از غنایی بیشتر برخوردار شود. ۱۵۰ سال پس از مانیفست حزب کمونیست مارکس و انگلس، دو پرسش اصلی محور بحث‌های ۴ روزه‌ی گردهم‌آبی پاریس را تشکیل می‌دادند: کدام آلترناتیو در برابر سرمایه‌داری؟ کدام ره‌ایش بشری؟ در پرتو این دو موضوع، بحث‌ها و گفت‌ووشنودهایی مختلف در کارگاه‌ها انجام گرفت و بررسی‌های عام‌تر و یا جمع‌بندی کارگاه‌ها در جلسات عمومی مطرح می‌شد. نزدیک به ۳۰ کارگاه و ۸ اجلاس عمومی و ۲ میز گرد (در روز آخر در آمفی تئاتر بزرگ سوربن) برگزار شد و مجموعاً بیش از ۲۸۰ نفر از کشورهای مختلف بحث‌ارایه دادند. هدف برگزارکنندگان این تجمع، علاوه بر طرح برسش‌ها و بررسی معضلات جنبش اجتماعی و ضد سرمایه‌داری دوران ما، به درستی این بود که گفت‌ووشنود و تبادل نظر و تجربه میان علاقه‌مندان از کشورهای مختلف جهان انجام پذیرد و به همین خاطر نیز عنوان ملاقات بین‌المللی را انتخاب کرده بودند. و البته از این بابت نیز کارشان با موفقیت روبه‌رو شد. تم‌های کارگاه‌ها و جلسات عمومی عبارت بودند از:

- مانیفست: شرایط جهانی، تاریخچه.
- معنا و مقام مانیفست در آثار مارکس.
- قرائت‌های مانیفست و شکل‌گیری‌های بعدی جنبش کارگری.
- رژیم‌های ناشی از اکتبر ۱۹۱۷: مانیفست در عمل؟
- الغای برده‌داری و مانیفست، ۱۵۰ سال بعد.
- مانیفست در تاریخش.
- مانیفست در بازماندگانش.
- «بورژواها و پرولترها»: ۱۵۰ سال بعد، کدام مناسبات طبقاتی در جهان امروزی؟
- از انقلاب صنعتی تا استحاله‌های تکنولوژیکی معاصر، تکوین تقسیم اجتماعی کار.
- فراروی از بی‌کاری: امنیت شغلی و آموزش برای همه‌ی زنان و مردان.
- معضل مسکن.
- چه نوع جهانی شدن: مالی‌گرایی و «جنگ اقتصادی» سرمایه‌داران یا شکلی نوینی از تعاون بشری.
- آیا ملت آینده‌ای دارد؟
- دگردیسی اجتماعی و رشد مداوم: کدام روابط میان انسان‌ها و طبیعت؟
- روابط طبقاتی، استثمار، سلطه: پرسش‌های دیروز و امروز.
- ملت‌ها، اروپا، جهانی‌شدن.
- آیا تاریخ تفهیم پذیر است؟
- آیا اقتصاد اجازه‌ی فهم دینامیسم تاریخ را می‌دهد؟
- «سلطه»، «قدرت»، «استثمار»: موانع فهم تئوریک و دگردیسی عملی.
- پیشرفت، زیر سوال.
- از نقد حال تا نگرش به آینده: طرح‌ها، اتوپی، نمونه‌سازی.
- سوسیالیسم و/یا کمونیسم؟
- کمونیسم و فرد.
- چگونه می‌توان به تاریخ از برای دگردیسی آن اندیشید؟
- چگونه می‌توان طرحی برای آینده از برای به انجام رساندن آن ریخت؟
- دمکراسی، یک چالش انقلابی.
- کدام انترناسیونالیسم؟
- دولت آیا "گرفتنی" است؟ رفرم‌ها، انقلاب، فرایند...
- مسئله‌ی مالکیت: تصاحب، قدرت‌ها، مدیریت‌ها.
- ره‌ایش زنان و پروژه‌ی کمونیستی.
- از «حزب کمونیست» مانیفست تا پرداخته‌های امروزی: جنبش کارگری، جنبش اجتماعی، کدام شکلهای سازمان‌دهی اجتماعی؟
- دولت، دمکراسی، مالکیت: کدام انقلاب؟

- پرولتاریا؟ شهروندان؟ جنبش اجتماعی؟ حزب؟ کدام بازیگران برای کدام دگرديسي‌هاي اجتماعي؟
- کدام جهان‌روايي (universalite) برای ساختن؟
- کدام جهان برای فتح کردن؟

اما ملاقات بين‌المللي پاریس دارای کمبودها و ضعف‌هایی نیز بود. يك ضعف مهم آن در این بود که بخشی از سخن‌گویان یا متعلق به سازمان‌ها و احزاب سنتي طرفدار شوروي سابق، چین، کوبا و ویتنام... بودند و یا اگر از آن-ها نیز بریده بودند ولی کم و بیش در همان چارچوب‌هاي ایدئولوژيکي، فرهنگي و ذهني، فکر می‌کردند. اینان نه تنها مطلبي جدید برای گفتن نداشتند بلکه فرمول‌هاي شابلوني‌شان حتا از لفاظي‌هاي دوران استاليني نیز سطحی‌تر و مبتذل‌تر بود. این فقر و عقب ماندگي فکري به ویژه در نمایندگان چيني، ویتنامي و تيمه‌اي که همواره نوستالژي اردوگاهي دارد، قابل مشاهده بود. این امر در نتیجه به کیفیت بحث‌ها و تا اندازه‌اي به ارزش ملاقات لطمه وارد آورد. به خصوص از این لحاظ که برگزارکنندگان آن مدعي بودند و هستند که خود را از جريانات سنتي و افکار دگماتيستي سابق متمایز کرده‌اند و روي به تحول و نوآوری دارند که البته تم‌هاي انتخاب شده تا اندازه‌اي نیز این را نشان می‌داد.

ضعف دیگر جلسات در این بود که به دلیل کمبود وقت، عملاً بسیاری از مسایل و پرسش‌ها حتا فرصت طرح شدن را نیافتند و در مواردی بسیار به دلیل طولاني شدن سخنراني‌ها وقت کافي و لازم برای صحبت و دخالت حاضران و شنوندگان باقي نمی‌ماند. در پاره‌اي از جلسات نیز، مضمون صحبت‌هاي سخنرانان، شاید به دلیل تلخیص و کمبود وقت، از سطحی پایین برخوردار بود، در حالی که مقاله‌هاي پلی‌کپی شده همان مطالب را بهتر منعکس ساخته‌اند.

سرانجام آخرین و شاید مهمترین نقص ملاقات بين‌المللي پاریس در این بود که جای دو نیروی بزرگ و پراهمیت اجتماعي دوران ما در این برنامه خالي بود. يکي کارگران و زحمتکشان و ديگري جوانان. در مورد زنان، اگر تعداد آن‌ها در بين شرکت‌کنندگان کم نبود ولی سخنرانان زن به نسبت مردان اقليتي بسیار کوچک را تشکیل می‌دادند و این نقصي بزرگ بود که مورد انتقاد همه نیز قرار گرفت. اما همان طور که گفتیم کمتر زحمتکشي و یا جواني در این گردهم‌آيي حضور یافته بود. سن متوسط شرکت‌کنندگان شاید کم تر از ۴۵ تا ۵۰ سال نبود. و این کمبود به خصوص در مناسبت با ۱۵۰امین سالگرد مانیفست کمونيست، اثری که می‌خواست ترجمان جنبش تاريخي پرولتاریا و نیروهاي بالنده‌ي اجتماعي باشد و برای آنان و تنها برای آنان نوشته شده بود، پرسش بسیار مهم و نگران‌کننده‌اي در برابر چپ‌هاي سوسياليست امروزي که همواره نسبت به رويي از مارکس وفادار باقي مانده‌اند، قرار می‌دهد: پرسش کدام گفتار و طرحي نو؟ برای یا به وسیله‌ي کدام نیروي اجتماعي و بالنده؟ پرسشي که همواره در ملاقات‌هاي آینده باید طرح گردد و برایش پاره پاسخي‌هاي هر چند نامسلم پیدا شود.